

خطای راهبردی (بررسی جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان)

ali/خبرگزاری آران

آذربایجان در تحلیل شرایط سیاسی منطقه، منافع خود را در گروی نزدیکی به غرب می‌داند. به همین دلیل رژیم صهیونیستی، به بازیگری قابل ذکر در عرصه سیاست خارجی آذربایجان، تبدیل شده است. این تعمیق رابطه در زمان کوتاه، نشان دهنده اهمیت این رابطه برای دو طرف است. در این نوشتار، اهداف باکو از رابطه با تل آویو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در چارچوب استراتژی نزدیکی به غرب توسط آذربایجان، تل آویو که از نفوذ زیادی در این جبهه برخوردار است، مورد توجه ویژه باکو قرار گرفته و از سوی دیگر، آذربایجان نیز در چارچوب دکترین بن گورین، مبنی بر اتحاد با کشورهای مسلمان غیرعرب منطقه، مورد توجه تل آویو بوده و در کنار این موضوع، وجود مرز مشترک با ایران، رژیم صهیونیستی را نیز علاقه مند به ایجاد رابطه با آذربایجان کرده است. اهداف باکو از گسترش روابط با تل آویو را می‌توان در چارچوب استراتژی آذربایجان در قره باغ چنین مورد تحلیل قرار داد:

بهره‌گیری از لابی یهودیان: آذربایجان در ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی به دنبال استفاده از لابی یهودیان در آمریکا است؛ چراکه ارمنستان نیز دارای یک لابی در کنگره آمریکاست. حضور لابی ارمنه در ایالات متحده در تناقض با اهداف آذربایجان در نزدیکی با غرب و به ویژه آمریکاست. با توجه به مناسبت‌های استراتژیک روسیه - ارمنستان و حضور گروه‌های فشار ارمنی در روسیه پشتیبانی لابی یهودیان در آمریکا، عامل خنثی‌کننده مهمی برای آذربایجان در مقابل فشارهای احتمالی روسیه در مجامع بین‌المللی است.

نزدیکی به غرب: باکو پس از فروپاشی شوروی و با توجه به رویدادهای پیش‌آمده در منطقه، نزدیکی به غرب را بستر استراتژی بلندمدت خود قرار داده است. آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان می‌تواند انزواي رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تأثیر قرار دهد و این مساله برای آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین پشتیبان تل آویو، حائز اهمیت است. از طرف دیگر، تل آویو در اتحادیه اروپا از نفوذ زیادی برخوردار است و می‌تواند تمایل آذربایجان در ورود به ناتو که از اهداف بلندمدت این کشور در نزدیکی به غرب محسوب می‌شود و با موانع عدیده‌ای روبه‌روست را حل کند.

افزایش قدرت چانه‌زنی در مناقشه قره باغ: در یک نگاه اجمالی به مناقشه قره باغ، روسیه، ارمنستان را مورد حمایت خود قرار داده و گرجستان به صورت کشوری بی‌طرف، مهره تأثیرگذاری نبوده است. مواضع ترکیه نیز به مواضع آذربایجان نزدیک است. ایران سعی در اتخاذ مواضعی معتدل دارد. در این میان، آذربایجان با هدف نزدیکی به تل آویو قصد دارد قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهد. عده‌ای معتقدند هدف باکو از ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی، ایجاد یک هویت مستقل از سیطره روسیه در منطقه و کسب استقلال از روسیه است و از سوی دیگر تل آویو و مسکو دارای روابط استراتژیک هستند و این مساله باعث می‌شود روسیه در سیاست خارجی خود برای آذربایجان اهمیت بیشتری قائل شود.

مدرنیزه کردن ارتش و تقویت بنیه نظامی کشور: از لحاظ موقعیت جغرافیایی، آذربایجان در مناطق پست و کم‌ارتفاع و ارمنستان و قره باغ در مناطق کوهستانی قرار دارند و این مساله باعث شده تا منطقه قره باغ اشرف کاملی به جلگه آذربایجان داشته باشد. این وضعیت سبب شده تا پتانسیل دفاعی آذربایجان تضعیف و این کشور در مقابل حملات دشمن که در مناطق کوهستانی قرار دارد، آسیب‌پذیر شود. موقعیت جغرافیایی باکو نیاز به تقویت بنیه نظامی آذربایجان را دوچندان کرده و به همین واسطه، کشورهایی که می‌توانند به این هدف آذربایجان کمک کنند، اهمیت دوچندان می‌یابند.

توسعه آذربایجان: لابی یهود می‌تواند کمک‌های اقتصادی و حمایت از سرمایه‌گذاری در آذربایجان را برای این کشور به دنبال داشته باشد. به ویژه که سرمایه‌داران یهودی در شرکت‌های بزرگ و کانون‌های سرمایه‌داری دارای نفوذ گسترده‌ای هستند. آذربایجان قصد دارد با طی پروسه توسعه از مشکلات داخلی عبور کند و تمامی امکانات خود را برای حل مناقشه قره باغ بسیج کند. فروش نفت و مبادلات اقتصادی: هم‌اکنون رژیم صهیونیستی دومین واردکننده نفت از آذربایجان پس از ایتالیا است که نزدیک به 20 درصد از نفت خود را از این کشور تأمین می‌کند. بر مبنای همین تحلیل، افزایش مراودات اقتصادی به خصوص نفتی، باعث افزایش وابستگی متقابل دو کشور می‌شود و این مساله منجر به حمایت بیش از پیش تل آویو از باکو شده که این امر از نظر مقام‌های آذربایجان در مناقشه قره باغ، مؤثر است و پتانسیل چانه‌زنی آذربایجان را افزایش می‌دهد. رابطه با رژیم صهیونیستی برای آذربایجان با موانعی روبه‌روست که می‌تواند تبعات سنگینی را برای این دولت در پی داشته باشد.

1- بی‌شک ایجاد شکاف بین مردم و دولت، نخستین عامل است؛ چراکه مردم آذربایجان با اکثریت مطلق مسلمان و شیعه نسبت به سرنوشت فلسطین و مسلمانان آن کشور، حساس هستند و ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی قطعاً تبعاتی را در جهت تضعیف مشروعیت دولت در پی خواهد داشت.

2- تخریب رابطه ایران و آذربایجان. این مساله با توجه به هویت تاریخی و عمق رابطه مردمی دو کشور، همچنین مبادلات سیاسی و اقتصادی بالا با دولت ایران در تضاد با منافع بلندمدت آذربایجان خواهد بود.

3- تخریب چهره آذربایجان در جهان اسلام. هرگونه حمایت از رژیم صهیونیستی نزد افکار عمومی، خصوصاً در سال‌های اخیر به نوعی موافقت با اقدامات ضدحقوق بشری این کشور است. بر این اساس، می‌توان عنوان کرد هزینه‌های رابطه باکو با تل آویو به مراتب بیش از فواید ظاهری آن است. باکو می‌تواند به تمامی اهداف ذکرشده از طریق تقویت همکاری‌ها با ایران و همسایگان دست‌یابد که هزینه‌های رابطه با تل آویو را هم نداشته باشد و این در حالی است که ایران به دلیل مخالفت با حضور غرب در منطقه، آماده تعمیق رابطه خود با آذربایجان است.

نویسنده: مهدی شهسوار

پایان پیام .